

« فریاد خاموشان » قسمت دهم

وحدت ملی، آشتی انسانی و بازگشت به خویشتن مشترک



ما کیستیم؟ ما را سال‌هاست تکه تکه کرده‌اند. به نام قوم، به نام زبان، به نام مذهب، به نام مرز، و هر بار که زخم ما را بهانه کردند، آن‌که سوخت، ما بودیم؛ و آن‌که ساخت، کاخ نشینان بیرون ازدرد.

اما زمان آن رسیده پرسیم: ما کیستیم؟

آیا فقط تاجیک، پشتون، هزاره و ازبکیم؟

یا فراتر از واژه‌ها، انسانیم؟

آیا ما فقط بازماندگان جنگیم؟

یا بیدارگران صلح؟

آیا ما تنها مهاجر، پناهجو، کارگر و بی‌خاتمانیم؟

یا صاحبان فردایی روشن‌تر؟

فراموش نکنیم: پیش از آن‌که دشمن وارد خانه‌ما شود، اختلاف وارد دل‌مان شده بود. پیش از آن‌که خاک‌ما اشغال شود، دل‌مان از یکدیگر خالی شده بود. و امروز، بازسازی وطن، پیش از هر دیواری، نیازمند ساختن پلی در دل‌های ماست.

ما باید وطن را از نو تعریف کنیم: وطن نه مرزیست که استعمار کشیده، بلکه خاطره‌ایست که با هم ساخته‌ایم. نه زمینیست که بر سر آن بجنگیم، بلکه سرزمینیست که برای آن زندگی کنیم.

از کابل تا قندهار، از بدخشان تا هرات، از مزار تا بامیان و غیره ما یک تن ایم، و اگر پاره پاره باشیم، دشمن پیروز است.

خاموشان امروز، فریادگران فردایند، اگر بدانند که صدای شان، تنها در اتحاد شنیده می شود. و این اتحاد، نه در پرچم سیاسی، نه در ستیز ایدئولوژیک، بلکه در آغوش انسانی ماست.

بیایید وطن را، نه از نو بسازیم، که از نو با هم بسازیم. نه برای یک قوم، نه برای یک زبان، بلکه برای کودک گرسنه ای که فردا می خواهد بخندد؛ برای مادری که دیگر نمی خواهد فرزندش را دفن کند؛ برای مردی که می خواهد، در وطنش، با عزت نان ببرد خانه.

وطن، در دست ماست، نه در دست آنانیکه ویرانی را تجارت کردند و ما، اگر باهم باشیم، حتی سنگ هم نان میشود، و خاک هم وطن می گردد./ قسمت یازدهم در آینده